

طریق دیگر برای اثبات وثاقت ابو البركات:

علی بن الحسین ابو البركات در اثناء بسیاری از طرق علماء برای اثبات کتب واقع شده است و این نشان می‌دهد که ایشان یک فرد مورد وثوقی بوده که برای اثبات کتب به اخبار ایشان اعتماد می‌نمودند.

اما «عن ابیهما»:

ظاهر عبارت «عَنْ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ ابْنَيْ عَلِيٍّ بْنِ عَبْدِ الصَّمَدِ عَنْ أَبِيهِمَا» این می‌باشد که والد علی و محمد، علی بن عبد الصمد می‌باشد و برای توثیق علی بن عبد الصمد باید گفت:

مرحوم شیخ منتجب الدین ره در کتاب فهرست فرموده است:

«الشیخ علی بن عبد الصمد التمیمی السبزواری فقیه دین ثقة قرأ علی الشیخ أبی جعفر رحمهم الله.» [1]

در این عبارت کلمه «ثقه» بکار رفته و با این شهادت وثاقت ایشان ثابت خواهد شد.

نکته:

در اینکه مقصود از ابی جعفر چه شخصی است دو احتمال وجود دارد. یکی اینکه منظور مرحوم شیخ طوسی ره باشد زیرا کنیه ایشان ابو جعفر است و دوم اینکه مراد مرحوم صدوق ره باشد همانطور که در برخی از عبارات آمده بود: «قرأ علی ابی جعفر الصدوق» و به قرینه آنها منظور از ابی جعفر، مرحوم صدوق باشد و برخی قائل شده‌اند که کنیه ابو جعفر به مرحوم شیخ طوسی ره انصراف دارد.

مرحوم شیخ حرّ عاملی ره فرموده است:

«الشیخ أبو الحسن علی بن عبد الصمد النیسابوری التمیمی: فاضل، عالم» [2]

ممکن است گفته شود که چون مرحوم شیخ حرّ عاملی ره درباره این راوی قدحی نفرموده است و فقط به مدح بسنده کرده‌اند، دانسته می‌شود که علی بن عبد الصمد در نزد ایشان مجروح و ضعیف نبوده است زیرا این افراد در اثناء اسناد هستند و اگر قدحی داشتند باید بزرگان ذکر می‌فرمودند. پس این راوی در نزد ایشان ثقه می‌باشد.

به این سخن اشکال می‌شود که اگر مرحوم شیخ حرّ عاملی ره این راوی را ثقه می‌دانستند چرا لفظ «ثقه» را ذکر نکردند چنانچه مشاهده می‌شود که مرحوم شیخ حرّ عاملی ره برای برخی از روای لفظ «ثقه» را بکار برده‌اند. پس از اینکه این لفظ گفته نشده به دست آورده می‌شود که ایشان می‌خواهند بفرمایند که از ثقه بودن این راوی خبر ندارم ولی نسبت به فاضل و عالم بودن ایشان اطلاع دارم لذا از این دو صفت خبر داده‌ام. پس این راه گفته شده گرچه مظنون انسان خواهد بود ولی حجت نمی‌باشد.

در کتاب طبقات الفقهاء آمده است:

«علی بن عبد الصمد (- .. کان حياً 474 هـ) ابن محمد التمیمی، أبو الحسن النیسابوری،

السبزوارى، تلميذ الشيخ الطوسى. قرأ كتاب «الامالى» للصدوق على أبى بكر محمد بن أحمد فى سنة (423 هـ) و قرأه أيضاً على أبى البركات على بن الحسين الحسينى الحلى فى سنة (426 هـ). و روى عن جمع من تلامذة الشيخ الصدوق، منهم: أبوه عبد الصمد، و أبو البركات الحسينى، و أبو بكر محمد بن على العمري، و أبو جعفر محمد بن إبراهيم ابن عبد الله المدائنى، و آخرون. و كان أحد فضلاء علماء الامامية، فقيهاً، ديناً. [3]

از كلمه «دیناً» به دست آورده می‌شود که ایشان دروغگو نبوده است و برای به دست آوردن حافظه متداول داشتن و غلبه نداشتن خطا و نسیان نیازمند به ضمیمه کردن اصالت سلامت هستیم.

پس کلام مرحوم شیخ منتجب الدین ره وثاقت علی بن عبد الصمد را ثابت می‌نماید و کلمات دیگر مانند کلام مرحوم شیخ حرّ عاملی ره به بیان گفته شده، تایید کننده و معاضد توثیق مرحوم شیخ منتجب الدین ره خواهد بود.

اشکال:

مرحوم شهید صدر ره می‌فرماید که بعید نیست در عبارت «مُحَمَّدٌ وَ عَلِيُّ ابْنُ عَلِيٍّ بْنِ عَبْدِ الصَّمَدِ» تحریف و تصنیفی واقع شده باشد و عبارت صحیح «محمد و علی ابنی عبد الصمد» بوده باشد و محمد بن عبد الصمد و علی بن عبد الصمد دو شخص جلیل و ثقه هستند ولی درباره پدرشان که عبد الصمد باشد، در کتب رجال مطلبی ذکر نشده است و در نتیجه حال عبد الصمد مجهول خواهد بود.

مطلبی که باعث می‌شود انسان اطمینان به تحریف پیدا کند و یا مشکوک شود به گونه‌ای که نتوان به ظاهر اخذ کرد، این است که محمد بن عبد الصمد و علی بن عبد الصمد به حسب اسناد از اساتید مرحوم ابن شهر آشوب ره هستند و در سند مرحوم حرّ عاملی که در خاتمه کتاب وسائل الشیعه ذکر فرموده باشد، محمد بن عبد الصمد و علی بن عبد الصمد آمده است و از طرف دیگر مرحوم قطب راوندی ره که از مرحوم ابن شهر آشوب ره أقدم می‌باشد بعید است از فرزندان اساتید مرحوم ابن شهر آشوب ره حدیث را نقل نماید و این استبعاد باعث می‌شود که بگوئیم عبارت صحیح «محمد و علی ابنی عبد الصمد» بوده است.

بله اگر مرحوم قطب راوندی ره از اساتید مرحوم ابن شهر آشوب حدیث نقل نماید، استبعادی وجود ندارد زیرا ممکن است که هر دو بزرگ دارای استاد مشترک بوده‌اند و مرحوم قطب راوندی ره در اوائل عمر استاد خدمت استاد رسیده باشد و مرحوم ابن شهر آشوب ره اواخر عمر استاد را درک نموده باشد.

«و من البعید أن یکون الشیخ الراوندی المتقدم طبقة عن ابن شهر آشوب ینقل عن أولاد علی بن عبد الصمد الذی هو من أساتذة ابن شهر آشوب و من ینقل عنه، مما یوجب قوة احتمال وجود خطأ فی البین و أن یکون المقصود محمد و علی ابنی عبد الصمد و هما و إن کان لا إشکال فی وثاقتهما و جلالة شأنهما إلا أن الإشکال فی أیهما الذی ینقلان الروایة عنه- و هو عبد الصمد- فإنه ممن لم یثبت توثیقه.» [4]

جواب اشکال:

به حسب طرق متعدده و فراوان ثابت است که مرحوم قطب راوندی ره از محمد و علی

ابنی علی بن عبد الصمد روایت نقل کرده است. یکی از موارد کتاب قصص النبیاء مرحوم قطب راوندی ره می‌باشد که در طرق متعدده‌ای همین عبارت «مُحَمَّدٌ وَ عَلِيٌّ ابْنُ عَلِيٍّ بْنِ عَبْدِ الصَّمَدِ» واقع شده است. کتاب الفوائد الطریقه مرحوم افندی ره مشتمل بر فوایدی است و به عنوان یک فائده می‌فرماید که در اسناد قصص الانبیاء ابن سند ذکر شده است یعنی مرحوم قطب راوندی ره از علی بن علی بن عبد الصمد و محمد بن علی بن عبد الصمد نقل می‌کند. و مرحوم نمازی ره در کتاب مستدرکات علم الرجال اسناد عدیده‌ای از کتاب بشاره المصطفی نقل می‌نماید که همین سند در آنها وجود دارد.

اشکال: فرمایش مرحوم شهید صدر ره

به حسب برخی از اسناد به دست آورده می‌شود که دو نفر وجود دارند که نام آنها عبد الصمد می‌باشد. یکی از این دو نفر جدّ اعلای این سلسله است و این شخص دارای چند پسر به نام محمد و علی و حسین بوده است. این محمد و علی از معاصرین مرحوم شیخ صدوق ره و مرحوم شیخ طوسی ره بوده‌اند لذا مرحوم ابن شهر آشوب ره که در سال 588 وفات نموده است، نمی‌تواند از این دو نفر روایت نقل نماید و آن جدّ اعلای دارای نوه‌ای به نام عبد الصمد بوده است که فرزند حسین یا علی بوده است و این عبد الصمد دارای دو پسر به نام علی و محمد بوده است و این دو نفر از اساتید مرحوم ابن شهر آشوب ره هستند و مرحوم قطب راوندی ره از این دو نفر روایت نقل نمی‌نماید زیرا اقدم بر مرحوم ابن شهر آشوب ره می‌باشد بلکه از محمد و علی که فرزندان جدّ اعلای هستند روایت نقل می‌کند. پس اینکه گفته شد مرحوم قطب راوندی ره از محمد بن عبد الصمد و علی بن عبد الصمد که اساتید مرحوم ابن شهر آشوب ره هستند، روایت نقل می‌نماید، سخن ناتمامی است.

«و الظاهر: أن هناك محمداً و علياً ابني عبد الصمد- و هما المشايخ المعروفون لابن شهرآشوب- و هما حفيدان لمحمد أو علي أو حسين أبناء علي بن عبد الصمد الأول، فهناك علي بن عبد الصمد الأول الجد الأعلى للأسرة و هو ذلك العالم الجليل الفقيه الذي كان في طبقة الشيخ الطوسي و المرتضى- رهما- و يروى عن الصدوق- قده- بواسطة واحدة غالباً فيما اطلعنا عليه، و إن ادعى أنه قد روى عنه بلا واسطة، و هذا الشخص لا يمكن أن يكون هو شيخ ابن شهرآشوب بوجه أصلاً. و قد كان له ثلاثة أبناء محمد و علي و حسين و هم الطبقة الأولى من أولاده، و الأولان منهما هما اللذان يروى عنهما الراوندی هذه الرواية و كانا من مشايخه و هناك حفيد لعلي بن عبد الصمد- الجدل الأول- اسمه عبد الصمد و لا ندري هل هو ابن علي أو حسين ابني علي بن عبد الصمد، و لكنه لم يكن ابن محمد بن علي بن عبد الصمد بقرينة تعبير ابنه عنه بأنه عم أبيه. و أيا ما كان فهذا عبد الصمد الثاني له ولدان اسمهما علي و محمد و هما اللذان من مشايخ ابن شهرآشوب. و هذا التسلسل النسبي يتضح من عدة روايات و كلمات العلماء في ترجمة بعض أفراد هذه الأسرة. و تقتصر منها على ذكر ما جاء في مهج الدعوات لابن طاوس حيث قال: «قال علي بن عبد الصمد- و هو الذي يروى عنه ابن شهرآشوب و من مشايخه لأن ابن طاوس شيخ العلامة و ابن شهرآشوب في طبقة مشايخ العلامة أو أعلى بقليل- أخبرني جدی- و هو أحد الأولاد الصليبين لعلي بن عبد الصمد الأول جد الأسرة- قال حدثنا والدي الفقيه أبو الحسن- يعني علي بن عبد الصمد جد الأسرة الذي كان من طبقة السيد المرتضى و الشيخ الطوسي فإنه المكنى بأبي الحسن- قال حدثنا جماعة من أصحابنا منهم السيد أبو البركات- و هو الذي وقع في طريق رواية الراوندی أيضا- عن الصدوق- و هذا يدل أيضا على ما ذكرناه من أنه يروى عن الصدوق بواسطة واحدة-» فإن هذا التسلسل الواقع في هذا الطريق يدل على

آن علی بن عبد الصمد الّذی هو فی طبقة مشایخ ابن شهرآشوب غیر علی بن عبد الصمد المکنی بأبی الحسن الّذی یروی عن أبی البرکات، و إنما هو جده الأعلى. فما تقدم من الشیخ الحرّفی أمل الآمل من اتحاد الشیخ أبی الحسن علی بن عبد الصمد النیسابوری التمیمی الّذی یروی عنه ابن شهرآشوب مع علی بن عبد الصمد التمیمی السبزواری الّذی نقل الشیخ الحرّ عن منتجب الدین أنه فقیه دین ثقة قرأ علی الشیخ أبی جعفر الصدوق غیر صحیح. و علیه فالروایة صحیحة السند من هذه الناحية، لأن محمداً و علیاً ابنی علی بن عبد الصمد ینقلان الروایة عن أبیہما و هو ذلک الشیخ الفقیه الجلیل الّذی قرأ علی أبی جعفر- قدہ-»[5]

جواب اشکال:

ثابت نیست که دو نفر وجود دارند که نام آنها عبد الصمد می باشد و یکی از این دو نفر جدّ اعلای این سلسله است و این جدّ اعلای دارای چند پسر به نام محمد و علی و حسین بوده است و همچنین دارای نوه ای به نام عبد الصمد بوده است که فرزند حسین یا علی بوده است و این عبد الصمد دارای دو پسر به نام علی و محمد بوده است و وجه عدم ثبوت این می باشد که ممکن است آنچه در اسناد مشاهده می شود از باب اسناد به جدّ و اسناد به آب باشد مانند مرحوم صدوق ره که ایشان گاهی به نام محمد بن علی بن موسی بن بابویه قمی و گاهی به اسم محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی مرقوم می شود زیرا والد مرحوم صدوق ره را گاهی به جدّش نسبت می دهند که موسی بن بابویه قمی باشد و گاهی به پدرش نسبت می دهند که حسین بن موسی بن بابویه قمی باشد و علت آن این است که در برخی مواقع جدّ از پدر شخص معروفتر می باشد لذا شخص را به جدّ نسبت می دهند و در ما نحن فیه ممکن است که اینگونه بوده باشد یعنی دو نفر که نامشان عبد الصمد باشد وجود ندارد بلکه یک نفر به نام عبد الصمد است که همان جدّ اعلای باشد منتهی در برخی موارد گفته می شود: محمد و علی ابنی علی بن عبد الصمد یعنی این دو نفر به پدرشان نسبت داده می شوند و گاهی موارد گفته می شود: محمد و علی ابنی عبد الصمد یعنی این دو نفر به جدّشان نسبت داده می شوند زیرا جدّ آنها معروف بوده است. و بعد از اینکه ظاهر سند حدیث مورد بحث بر «مُحَمَّدٌ وَ عَلِيُّ ابْنِ عَلِيٍّ بْنِ عَبْدِ الصَّمَدِ» استوار شد و در اسناد متعدد دیگری در کتب گوناگون مانند کتاب قصص الأنبیاء و کتاب بشاره المصطفی این عبارت ذکر شده است و همین افراد در کتاب تذکره المتبحرین و کتاب ریاض العلماء و کتاب فهرست مرحوم منتجب الدین ره صاحب توثیق هستند، برای رفع ید از این ظهور حتی وجود ندارد همانطور که خود ایشان در پایان این سند را تمام می دانند.

وصلی الله علی محمد و آل محمد.

[1]. الفهرست (للرازی)، النص، ص: 76

[2]. تذکره المتبحرین ص 576، به نقل از کتاب معجم رجال الحديث ج : 12 ص : 72

[3]. موسوعة طبقات الفقهاء، ج5، ص: 239

[4]. بحوث فى علم الأصول، ج7، ص: 353

[5]. بحوث فى علم الأصول، ج7، ص: 354 - 355